



فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۵، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۸، صفحات ۱۶۴-۱۵۵

نقش آفرینی بازیگر-اندیشه در انتخاب سیاست‌های عمومی در ایالات متحده امریکا

حمیدرضا ملک محمدی^۱

استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۸/۵/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۱)

چکیده

اگر سیاست‌گذاری عمومی را از نگاهی عملیاتی، انتخاب درست یک گزینه از میان گزینه‌های بدیل برای حل یک مسئله عمومی در نظر آوریم، آنگاه اهمیت انتخاب‌کننده و اندیشه منجر به این انتخاب روشن خواهد شد. این خط اصلی جریانی است که از لابه‌لای صفحات نوشته حاضر می‌کوشد تا با دستمایه قرار دادن مجموعه‌ای هفت موردی از مطالعات صورت گرفته برای توجه به نقش آفرینی این بسته بازیگر-اندیشه در سیاست‌های عمومی ایالات متحده، ضرورت پرداختن‌هایی اینچنینی را در دیگر مکان‌ها مورد تاکید قرار دهد.

واژگان کلیدی: سیاست‌های عمومی، سیاست‌گذاری، بازیگر، اندیشه، ایالات متحده

1 - نویسنده مسئول Email: Malek@ut.ac.ir

مقدمه

دانش سیاستگذاری عمومی که کار خود را با تلاش‌های دانشگاهی برای گردآوری تجربه‌های زیسته کارگزاران سیاست‌ها و چارچوب‌بندی آن‌ها در قالب‌های نظری آغاز نمود، اینک در مکانی ایستاده که نه تنها انباشتی از بسته‌های تجربی نشان‌دار به مهر رویکردها، رهیافت‌ها، زمینه‌ها و نظریه‌ها را در اختیار محققان و علاقه‌مندان قرار می‌دهد بلکه خود، به یکی از مدعیان بازار سیاست آموزشی و گزینه یابی و انتخاب‌های بهینه از میان سیاست‌های متناسب با شرایط مکانی و زمانی تبدیل شده است. والایی این مقام نه از آن روی است که جمعی به داعیه یافتن بنیان‌هایی نظری برای مباحث خویش در سیاستگذاری به این سو روی کرده‌اند بلکه از آن است که سیاست‌ها، تعیین‌کننده‌های خطوط اصلی زندگی ما در دنیای امروز هستند و این سیاست‌ها هرچه به پشتوانه بنیان‌های نظری محکم تری وضع و اجرا گردد، پیامدهایی اثر بخش تر را بر زندگی بر جای می‌گذارد. سیاست با مسئله آغاز می‌شود. آن مسئله، ذهن‌ها را به خود مشغول می‌دارد. بازیگران، درگیر اندیشه‌های برخاسته از چاره‌جویی برای آن مسئله می‌شوند و ناگزیر از دست زدن به انتخاب می‌گردند و این انتخاب است که تولد یک سیاست تا پایان بخشیدن به آن را در دو سوی یک پیوستار رقم می‌زند و در میانه راه، بر تغییر و اصلاح آن حکم می‌کند. بنابراین، چستی سیاستگذاری از نگاهی ساده ساز، تغییر انتخاب‌های بازیگران بر اساس اندیشه‌های مورد نظر آن‌ها در شرایط خاص زمانی و مکانی است و چنان که از این فراز بر می‌آید، بازیگر و اندیشه، عناصری اصلی در انتخاب‌های سیاستگذاری محسوب می‌شوند. امروز حجم گسترده‌ای از نوشته‌های موجود در حوزه سیاستگذاری عمومی به شکلی مستقیم یا با واسطه، بحث‌هایی را مطرح می‌کنند که حضور پر رنگ این عناصر در آنها تأییدی بر محسوب کردنشان به عنوان عناصر قدرت آفرین در سیاستگذاری‌ها می‌باشد. در این میان اما، یاد نکردن از شرایط بیرونی تاثیر گذار بر سیاست‌ها همچون شرایط زمانی، مکانی و اجتماعی به معنای کم‌اهمیتی آنها نیست و تنها به سبب تسهیل در بررسی این مجال، مطالعه آنها به مقالی دیگر واگذار می‌گردد. از این رهگذر، در آنچه از پی خواهد آمد می‌کوشیم تا برخی از مهم‌ترین جلوه‌های این عناصر را در نوشته‌های جدید از نویسندگان حوزه سیاستگذاری عمومی، شامل هفت مطالعه موردی منتشر شده در سال ۲۰۱۹ به یکدیگر پیوند زنیم و از دل این پیوند، برخی جنبه‌های اساسی نقش آفرینی بازیگران و اندیشه‌ها در انتخاب سیاست‌های عمومی در ایالات متحده امریکا را به تصویر بکشیم. از مجموع مطالعات موردی یاد شده در این نوشته، برخی به عامل بازیگران و برخی به عامل اندیشه‌ها مرتبط می‌باشند.

یکم: بازیگر

مردم، رؤسای جمهور، دولت‌های محلی و عموم‌های کوچک مشورتی، نقاط اصلی تاکید چهار مورد از مطالعات یاد شده به عنوان بازیگرانی هستند که بر روی تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب‌های سیاستی تأثیر می‌گذارند.

الف) مردم: مطالعه موردی جاکوبسن (Jacobson, 2019) با عنوان "چگونه منابع مختلف تحلیل سیاست‌ها، بر ترجیحات تأثیر می‌گذارد" به بیان این نکته می‌پردازد که شواهد تجربی از ایالات متحده آمریکا حکایت از آن دارد که تحلیل سیاست‌ها یا اغلب در دسترس نیستند یا تنها مربوط به سازمان‌های تحقیقاتی غیر دولتی مانند اتاق‌های فکرند که معمولاً دارای انحراف‌های سیاسی آشکار و نهان می‌باشند. جاکوبسن بر این مسئله تاکید دارد که چگونه رای دهندگان به تحلیل‌های سیاستی جواب می‌دهند و این جواب‌ها چگونه در زمانی که تحلیل‌ها بوسیله یک سازمان بی‌طرف در مقابل یک سازمان لیبرال یا محافظه‌کار ساخته می‌شود، ممکن است متفاوت باشد. نتیجه کلیدی، این که افراد، نوعاً به تمام انواع تحلیل‌ها واکنش پاسخی نشان می‌دهند اما قوی‌ترین مورد پاسخگویی آنها به تحلیل سازمان‌های بی‌طرف است. تحلیل‌های تولید شده از سوی سازمان‌های دارای ایدئولوژی، کمتر اثربخش است. افراد حتی به تحلیل‌های ارائه شده از سوی سازمان‌های بی‌طرف دارای ایدئولوژی نیز اهمیت نمی‌دهند. نتیجه این مطالعه حکایت از آن دارد که افزایش اطلاعاتی که عموم بر پایه تحلیل‌های بی‌طرف دریافت می‌کنند، موجب توزیع پراکندگی اطلاعات مربوط به ویژگی‌های سیاستی در میان عموم و کاهش قطبی شدن افکار عمومی می‌گردد. به گفته بکر^۳ (Becker, 1985: 105) خروجی‌های مطلوب در سیاست در جوامع دموکراتیک، بستگی به میزان اطلاعات خوبی دارد که به مردم داده می‌شود. در این حال، به رغم اهمیت جمعیت رای دهندگان مطلع، باز هم اکثر رای دهندگان، دارای اطلاعات خوبی نیستند. رابطه میان اطلاعات و ترجیحات رای دهندگان، از موضوعات قابل توجهی است که بوسیله دانشمندان علوم سیاسی و اقتصادی، بررسی شده است. این بررسی‌ها اغلب ذیل چتر "ادبیات اقناع" قرار می‌گیرند. جاکوبسن در خصوص این عدم اقناع عقیده دارد که گاه مردم در جریان تمام اطلاعات قرار داده نمی‌شوند. مثلاً در انتخابات سال ۲۰۱۶، کشیدن یک دیوار مرزی در مورد سیاست‌های مهاجرتی، یکی از شعارها بود اما آنها هیچ وقت اعلام نکردند که هزینه این دیوار چقدر است. از سوی دیگر، گاهی اطلاعات وجود دارد اما این اطلاعات و تحلیل‌ها مرتبط

2 - Jacobson, 2019

3 - Becker, 1985:105

با آن‌ها از سوی اتاق‌های فکر طرفدار یکی از جریان‌های سیاسی مثلاً بنیاد هریتیج یا مرکز پیشرفت امریکا ارائه می‌گردد و رای دهندگان به دلیل جهت دار بودن و انحراف داده‌ها، آنها را نمی‌پذیرند. دراکمن و لویپا (۲۰۱۶: ۱۳) نشان می‌دهند که چگونه اطلاعات می‌تواند بر ترجیحات رای دهندگان و تغییر این ترجیحات تاثیر بگذارد.

ب) رؤسای جمهور: مطالعه موردی با عنوان "جنگ‌ها، رؤسای جمهور و تعادل‌های گسستی در هزینه‌های دفاعی ایالات متحده" (Sharp, 2019) به یکی از مهم ترین بحث‌ها در سیاستگذاری دفاعی ایالات متحده امریکا یعنی ورود به جنگ‌ها و هزینه‌های ناشی از آن می‌پردازد. از این رهگذر، شارپ عقیده دارد دانشگاهیان، عوامل زیادی را شناسایی کرده‌اند که بر بودجه نظامی تأثیر می‌گذارد. او در این مطالعه با ترکیب تحلیل دانشگاهیان در حوزه سیاستگذاری عمومی، روابط بین‌الملل و تحلیل دفاعی از نظریه تعادل گسستی که یک نظریه پردازش اطلاعاتی است بهره می‌جوید. بر اساس این نظریه، سیاستگذاری یک کار بزرگ است که موضوعاتی پیچیده تر از رهبران سیاسی، عموم و رسانه‌ها را در بر می‌گیرد. از آنجایی که تصمیم گیران دارای محدودیت زمانی هستند، آنها اطلاعات را در اختیار متخصصان هر حوزه قرار می‌دهند. این متخصصان، مسئولیت پردازش حجم انبوه اطلاعات حوزه خود را بر عهده دارند. این مطالعه از رویکردی ریاضی برای شناسایی چهار نقطه در تاریخ ایالات متحده از سال ۱۹۵۰ یعنی جنگ کره در زمان ترومن، دوره مابعد جنگ کره در زمان آیزنهاور، دوره صلح و آرامش در زمان کندی و دوره مابعد جنگ خلیج فارس و مابعد جنگ سرد زمان بوش، استفاده می‌کند. سیاست‌های جنگی با تغییرات ریاست جمهوری به شکلی برجسته در هر دوره رخ داده‌است. شارپ بر آن است که رهبران و تصمیم‌گیران، زمانی که با حجم زیادی از اطلاعات روبرو می‌شوند، در پی دستیابی به ترتیبات جدید برای حفظ وضع موجود هستند زیرا ثبات باعث کاهش مخاطرات سیاسی خواهد شد. نظریه تعادل گسستی در اینجا پیشنهاد می‌کند که تعادل میان خواسته‌های سیاستگذاران و زیرساختارهای سیاستی، موجب می‌شود تا بودجه در زمانی اندک، از یک نقطه تعادل به یک نقطه تعادل دیگر منتقل گردد.

ج) دولت‌های محلی باز: مطالعه موردی دولت‌های زیر ملی باز؛ اثر زمینه محلی بر سیاست‌ها (Chatwin et al., 2019)، بحث خود را با ارائه پاسخ به پرسش از چپستی دولت باز آغاز می‌کند. نویسندگان برآنند که مفهوم سازی دولت باز از سال ۲۰۰۰ به این سو، چشمگیر شد و

یادداشت ریاست جمهوری اوباما در سال ۲۰۰۹ آن را تسریع کرد و دولت‌ها به واسطه دستیابی به منفعتی همچون کارآمد شدن فرایندها، افزایش مشروعیت دولت و ارتقاء استانداردهای زندگی از خلال طراحی دولت باز، به اهمیت آن وقوف یافتند. جلو رفت این اندیشه از طریق راه اندازی طرح مشارکت دولت باز در سال ۲۰۱۱ با حضور هشت دولت برزیل، اندونزی، فیلیپین، مکزیک، نروژ، افریقای جنوبی، انگلستان، و آمریکا، تعریف گردید. این تعداد در حال حاضر به ۷۵ دولت و ۱۵ دولت زیرملی بالغ گردیده است و در حال افزایش می‌باشد. اگر دولت باز را شفافیت کنش‌های دولت (در معرض مراقبه عمومی بودن)، دسترسی به خدمات و اطلاعات دولت از سوی شهروندان و پاسخگویی دولت به ایده‌ها، تقاضاها و نیازهای جدید بدانیم (OECD, 2005) (29)، آنگاه این مفهوم را در نگاه وسیع کلمه می‌توان یک رویکرد سیاستی به سوی اصلاح حکمرانی دموکراتیک در شفافیت اطلاعات، مشارکت و پاسخگویی عمومی دانست. چانونین و همکاران برآنند که "دال" (Dahl, 1989) یک چارچوب نظری منعطف را برای تحلیل هسته‌های اصلی دولت باز فراهم می‌آورد. این نظریه بر سه عنصر اصلی یعنی مشارکت اثربخش، شناخت روشن و نمایندگی برابر اشاره دارد. مشارکت اثربخش، بخش بنیادین دولت باز و حتی پایه‌ای از دموکراسی است که برای افزایش کارایی و اثربخش دولت‌ها بویژه در سطوح زیر ملی استفاده می‌شود. دال می‌گوید عموم مردم باید دارای فرصت برابر و فرصت کافی برای تنظیم دستور کار سیاستگذاری و بیان استدلال برای حمایت از یک انتخاب و ترجیح بر انتخاب و ترجیح دیگر باشند. درگیر شدن مردم باید یک مرحله تعیین کننده و قطعی باشد. در این حال، آفتی که ممکن است گریبانگیر این مشارکت عموم شود، نگاه ظاهری یا مشارکت‌های تزیینی است. در خصوص عنصر دوم یا شناخت روشن، رابطه میان ایده "دال" از روشنگری و مفهوم شفافیت در دولت باز، یک رابطه مستقیم است. او بر این باور است که شفافیت یعنی دسترسی به داده‌ها و اطلاعات دولت، عموم را قادر می‌سازد تا کارکرد دولت خود را بفهمد. این مسئله، بنیان اصلی حمایت از پاسخگویی و حفاظت از اعتماد به کمک کاهش کاهش تأثیر و نفوذ از سوی دارندگان منافع خاص است. شفافیت، انتشار اطلاعات را تسهیل و عموم را از طریق ارتقاء میزان دانش، توانمند می‌سازد. به گفته "دال"، مردم برای این که بفهمند بهترین گزینه برای آنها چیست، ابتدا باید دارای شناختی روشن باشند. "دال" در مورد سومین عنصر یعنی نمایندگی برابر (DALH, 2006) پیشنهاد می‌کند دموکراسی ایده‌ال، فرصت برابر به منظور دارا بودن مشارکت اثر بخش برای تمام اعضا را در مقابل تصمیمات دولت فراهم می‌آورد. از این رهگذر، چنانچه یک قانون اساسی

۴ - در یادداشت اوباما آمده است که ما با هم کار می‌کنیم تا اعتماد عمومی را کسب و نظامی از شفافیت و مشارکت عمومی و همکاری را فراهم آوریم. به دنبال این یادداشت، دستورالعملی در خصوص دولت باز صادر شد که شفافیت، پاسخگویی، مشارکت و همکاری را نقاط تمرکز دولت باز می‌دانست.

نتواند فرصت‌های برابر برای مشارکت عمومی و پاسخگوسازی دولت را فراهم آورد، نمی‌توان آن را یک قانون اساسی دموکراتیک خواند. فراهم آوردن نمایندگی برابر و فراگیر، نیازمند تغییر در ادراک دولت از عموم است. از این منظر، دولت‌ها باید برای حصول موفقیت در همکاری میان خود با عموم، ارزشی را که مردم و تجربه‌های زیسته آنها برای فرایندهای تصمیم‌گیری دارد، تشخیص دهند. پروژه آزمایشی دولت‌های باز میان‌اعضایی که از آن سخن رفت، فرصتی برای توسعه شناخت بهتر از مفهوم سازی دولت باز است. دولت‌های عضو که یک طرح عملیاتی را در سال ۲۰۱۶ بوجود آوردند، اینک در میانه راه هستند و از این رو، شاید ارزیابی دقیق فعالیت آنها ممکن نباشد. با این همه، بر اساس نتایج بدست آمده تا حال حاضر، می‌توان بوجود نشانه‌هایی از همگنی و سازگاری میان برخی سیاست‌ها، اشاره نمود. اگرچه این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که وجود برخی دوگانگی‌ها، اهمیت ملاحظات سیاستی در بافت‌های محلی را به نمایش می‌گذارد.

د) عموم‌های کوچک: کریستف نایسن در مطالعه موردی خود با عنوان هنگامی که مشورت شهروندان، پا به عرصه سیاست واقعی می‌گذارد (Niessen, 2019)، این پرسش آغازین را مطرح می‌کند که چگونه بازیگران سنتی سیاسی، به رغم دارا بودن نگاهی اساساً متفاوت از سیاستگذاری، عموم‌های کوچک را به عنوان یک تازه وارد در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، پذیرا می‌شوند و از این مسئله نیز آگاهند که این کار، توزیع قدرت موجود را تغییر خواهد داد. عموم‌های کوچک، مجموعه‌هایی از شهروندان است که در یک موضوع خاص، گرد هم می‌آیند و به اندیشیدن و بحث می‌پردازند و پس از انجام بحث‌های عمیق، توصیه‌هایی را در خصوص موضوع مورد نظر، تدوین می‌نمایند. این عموم‌ها از نظر اندازه، متفاوت هستند. از جمله ویژگی‌های این نوع عموم‌ها این که تا آن اندازه کوچک هستند که بتوانند مشورتی باشند و تا آن اندازه بزرگند که بتوانند نمایندگی داشته باشند. این نمایندگی‌ها باید به گونه‌ای باشند که بازتاب دهنده بخش‌های مختلف جامعه، محسوب گردد. هدف از ایجاد این عموم‌های کوچک، ایجاد فضاهایی فراگیرتر، متنوع‌تر، عقلانی‌تر و مساوات‌گرایانه‌تر برای استدلال در مسایل عمومی است تا به سیاست‌هایی منصفانه‌تر و ارتقاء اعتماد عمومی منجر گردد. در سال ۲۰۱۵، یک عموم کوچک با این ویژگی‌ها در شهر بروکسل، پایتخت بلژیک بوجود آمد که در آن، ۳۳ نفر از میان جمعیت استان‌ها انتخاب شدند. این مجموعه در طی سه‌هفته، گرد هم می‌آمدند تا پس از بحث و گفت‌وگو، تمهیداتی را (مثلاً در مورد انرژی‌های تجدیدپذیر) پیشنهاد دهند و مقامات استانی،

آنها را در دیدگاه‌های خود تا سال ۲۰۵۰ مورد لحاظ قرار دهند. مطالعه موردی "نایسن" در واقع به دنبال یافتن نظر سیاستمداران و ذی‌نفعان در ورود عموم‌های کوچک مشورتی به عرصه تصمیم‌گیری‌هاست که این کار را با طراحی و توزیع ۱۵۸ پرسشنامه به سیاستمداران و تحلیل نتایج حاصل از آنها به انجام رساند. یافته‌های حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که این عموم‌های کوچک، ممکن است با مخالفت‌هایی از سوی بازیگران سیاسی و ذی‌نفعان روبرو شوند و آن، هنگامی است که آنها در نظر داشته باشند جایی را در تصمیم‌گیری‌های سیاستی به خود اختصاص دهند که تا فراسوی استفاده گاه‌به‌گاه و مشورتی از نظرات آنها پیش می‌رود. نتایج همچنین نشان می‌دهد که بهره‌گیری از فعالیت عموم‌های کوچک مشورتی، نهادهای سنتی نمایندگی را نیز بدون تاثیر باقی نمی‌گذارد زیرا آنها را وادار می‌کند تا در باره مکان این عموم‌ها در نظام سیاسی، بیندیشند. تحلیل نهایی این مطالعه موردی، حکایت از آن دارد که اغلب سیاستمداران و ذی‌نفعان، این تازه‌واردها را تا آنجا مورد استقبال قرار می‌دهند که در چارچوب‌های مشورتی خود باقی بمانند و از آن خارج نشوند.

دوم: اندیشه

بخش دوم از نوشته حاضر به سه مطالعه موردی انجام گرفته در خصوص ایده‌های چند بعدی، اندیشه تجمیعی و اندیشه عمومی برخاسته از نظرسنجی‌ها اشاره خواهد داشت.

الف) ایده‌های چند بعدی: اسکاگستاد و وایلدن در مطالعه‌ای موردی در خصوص استفاده از سوخت‌های زیستی در حمل‌ونقل ایالات متحده و مقایسه آن با اروپا (Skogstad & Wilder, 2019)، بحث ایده‌های چند بعدی در سیاست‌ها و تعامل نهادها و مؤسسات را در این زمینه مورد بررسی قرار می‌دهند. آنها مطالعه خود را با طرح این پرسش آغاز می‌کنند که چرا قانون-گذاری برای استفاده از سوخت‌های زیستی در بخش حمل‌ونقل در ایالات متحده، زیاد شده اما در اروپا، کاهش را نشان می‌دهد. مطالعه یادشده برای یافتن پاسخ به این پرسش، به نقش ایده‌های چند بعدی، وجود بی‌قاعده‌گی‌های سیاستی و نگهبانان نهادی در تعیین دستور کار می‌پردازد. تحلیل‌ها با استفاده از روش‌های ترکیبی، حکایت از وجود تفاوت در عمل از سوی نهادهای وضع‌کننده دستورکار را دارد. البته کمیسیون اروپا در این زمینه اطمینان می‌دهد که تعیین‌کنندگان دستورکار اتحادیه اروپا نسبت به بی‌قاعده‌گی‌های سیاستی بسیار حساس هستند. این مطالعه نشان می‌دهد که چگونه از اوایل قرن ۲۱، نوعی تقاضا در آمریکا و اروپا برای استفاده از سوخت زیستی در بخش حمل‌ونقل بوجود آمد که اهداف چندگانه‌ای از جمله تأمین امنیت انرژی،

کاهش گازهای گلخانه‌ای، ایجاد و توسعه مشاغل روستایی و رشد اقتصادی را مد نظر داشت. با این همه، سیاست یاد شده در این دو نقطه، هم عرض یکدیگر پیش نرفت و مثلاً اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۵، تصمیم به کاهش استفاده از این نوع سوخت را اتخاذ کرد، در حالی که در امریکا چنین نشد و بروز این دوگانگی به نوعی معما تبدیل گردید. آنچه از بررسی این مطالعه موردی به دست می‌آید، در قالب نوعی تلاش برای تغییر یا ثبات سیاست‌ها قابل واریسی است. مطالعه یادشده در جریان کار خود از سه مفهوم بازیگران و تویی^۶، وضع‌کنندگان دستور کار^۷ و نگهبانان^۸ سخن می‌گوید. بازیگران و تویی، آنانی هستند که تأییدشان برای اجرای سیاست‌ها ضروری می‌نماید. وضع‌کنندگان دستور کار نیز کسانی هستند که کارشان، تعیین عناوین برنامه‌ها برای ملاحظه نهادهای تصمیم‌گیر است اما گروه سوم که این مطالعه، بحث اصلی خود را بر روی آنها قرار می‌دهد، آنهایی هستند که بواسطه منطبق خاص خود، قدرت ارجاع کار به گروه‌ها را برای بررسی دارند. این تحقیق بر آنست که دلیل تفاوت میان اروپا و امریکا در سیاست مورد نظر، آن بود که در اروپا، این مسئله در اختیار گروه‌های متعدد برای بررسی و اعلام نظر سپرده شد. با بدست آمدن ایده‌های چندوجهی و اطلاعات موازی، سیاستمداران از بیم این که جنبه‌های مغفولی نیز ممکن است وجود داشته باشد، به سمت حفظ وضع موجود متمایل شدند در حالی که در امریکا از ابتدا، این به اصطلاح نگهبانان، از طرح مسئله در گروه‌های مختلف و پیدا شدن ایده‌های موازی و چند وجهی ممانعت به عمل می‌آورند. نویسندگان یادشده بر این باورند که ایده‌های چندوجهی دارای تاثیرات فراوان و انکار ناپذیری بر وضع سیاست‌ها و تقنین دارند و می‌توانند موجب بروز تحول در آنها شوند.

ب) **اندیشه تجمیعی**: هلن بریاسولیس در مطالعه موردی خود با عنوان حکمرانی به به مشابه امر متکثر (Briassoulis, 2019) به طرح مباحثی درباره حکمرانی و لزوم دارا بودن اندیشه‌ای چندوجهی در این زمینه را مورد بررسی قرار می‌دهد. او بر این باورست که بحث‌ها مربوط به حکمرانی به مشابه پدیده‌ای ثابت و غیر حساس به زمینه را باید با مباحث مربوط به آن از منظر پدیده‌ای پویا و متحرک در زمینه، ادغام نمود تا این اندیشه تجمیعی و ظرفیت برخاسته از آن برای شکل بخشیدن به یک رهیافت کلی در مطالعات کاربردی حکمرانی مورد استفاده قرارگیرد. به گفته بریاسولیس، حکمرانی را نباید به عنوان امری واحد و یکپارچه بلکه به مشابه نوعی چند پارچگی باید نگریست. مفهوم حکمرانی، چهار معنای مختلف شامل ساختار، فرایند، سازوکار و

6 - Veto Player
7 - Agenda Setter
8 - Gate keeper

استراتژی را در خود جای می‌دهد که هرکدام، اجزاء آشکار و نهان به هم مرتبط را در ادبیات مربوط بوجود آورده‌اند. او در خصوص اندیشه تجمیعی، آن را اندیشه‌ای مابعد ساختارگرایی می‌داند که ریشه در فلسفه ژیل دلوز دارد و اصلی آن، واقع‌گرایی انتقادی است و بر خلاف دیگر رهیافت‌های از این دست و به عنوان یک ویژگی از فلسفه دلوزی، اتولوژی را بر ایستمولوژی، رحجان می‌بخشد. تجمیع از این منظر یعنی هستی‌شناسی "شدن" که معنای کنار هم آمدن هستی‌هایی مختلف و ناهمگن در یک مجموعه پویای تفکیک‌نشده اما غیرقابل کاهش را برای یک هدف خاص، ارائه می‌کند. بریاسولیس بر آن است که اندیشه تجمیعی و مطالعات انجام شده بر این پایه، بهترین اقدام را حاصل اشکالی از حکمرانی نمی‌داند که از دل هماهنگی با زمینه‌ها بیرون می‌آید بلکه این ناهمگنی، چندگانگی و سرشت تقریباً نامنسجم ترتیبات اجتماعی است که باید مورد تأکید قرار گیرند زیرا این، تنها پایه شناختی است که بر اساس آن، استراتژی‌های اثربخش را می‌توان برای تغییرات اجتماعی دموکراتیک طراحی نمود. تجمیع، امکان تصویرسازی واقعی از پدیده حکمرانی دنیای واقعی را فراهم می‌آورد و بر خلاف هستی-شناسی انتزاعی و تقلیل‌گرا، دوگانگی، چندگانگی، سیالیت، پویایی و پیچیدگی را ابزار کار خود قرار می‌دهد.

ج) نظرسنجی‌های اندیشه‌ساز: سرانجام، آخرین مطالعه موردی که در نوشته حاضر، توجه را به خود جلب می‌نماید، مطالعه موردی استارک با عنوان یادگیری سیاستی و سیاستگذاری عمومی (Stark, 2019) است. این مطالعه با یک پرسش کار خود را آغاز می‌کند. آیا تحقیقات و نظرسنجی‌های عمومی می‌توانند ارایه‌کننده درس‌هایی باشند که احتمال شکست‌های آینده را کاهش دهد. دانشمندان مختلف علوم اجتماعی از جمله محققان علوم سیاسی، این تحقیقات را اغلب، نوعی نمایش می‌پندارند که تنها، قصد دارد وضع موجود را حفظ نماید و از این رو، آنها را سازوکاری غیر مؤثر برای یادگیری می‌پندارد. آنها عقیده دارند که این تحقیقات، چیزهای اندکی را با خود به ارمغان می‌آورند و اگر چیز جدیدی هم وجود داشته باشد، در پس داده‌های انبوه، پنهان خواهد ماند. مطالعه استارک با تکیه بر صد مورد مصاحبه انجام شده در خصوص چهار قضیه بین‌المللی، این نکته را مطرح می‌نماید که این دست تحقیقات می‌تواند حجم زیادی از درس‌های سیاستی معتبر را همراه بیاورد. اندیشه برخاسته این تحقیقات و نظرسنجی‌ها، حاوی اطلاعات فراوانی است که می‌تواند پایه‌ای در گذشته برای پیشگیری از شکست‌های آتی را ارایه نماید. اندیشه متولد شده از این تحقیقات، یک ساخت جدید یا باز تأیید شده مربوط به یک

سیاست از سوی نخبگان سیاسی یک حوزه خاص است و درس آموزان اصلی نیز افراد رسمی سیاست‌ها می‌باشند.

نتیجه‌گیری

آنچه را که در این مجال کوشیدیم تا با دستمایه قرار دادن مجموعه‌ای از مطالعات موردی انجام شده در ایالات متحده آمریکا در دایره ایضاح و تبیین قرار دهیم، بازنگاهی به اهمیت دو عنصر اساسی در کار سیاستگذاری عمومی یعنی بازیگران و اندیشه‌ها بود که آن را در قالب بسته‌ای واحد ذیل عنوان "بازیگر-اندیشه"، بررسی نمودیم. تفکیک این دو عنصر از یکدیگر در دنیای واقعی، کاری چندان ساده نیست و از این روی، بسته "بازیگر-اندیشه" با این صورت ترکیبی مدنظر قرار گرفت زیرا در هر یک از مطالعات موردی این نوشتار، ردپایی از هر دو عنصر دیده می‌شود و غلبه یکی بر دیگری در هر مطالعه، مبنایی برای جای دادن آن در مقوله بازیگر یا اندیشه بود. مطالعات موردی یاد شده، حکایت‌هایی از اهمیت و نقش آفرینی بسته "بازیگر-اندیشه" در انتخاب گزینه‌های سیاسی ایالات متحده آمریکا را برای محققان، بازگو می‌نماید و امید و انتظار، این است که مطالعاتی از این دست در حوزه‌های مختلف سیاستگذاری درس‌هایی را برای آموختن و به اجرا در آوردن، در اختیار قرار دهد.

منابع

- 1- Becker, G. (1958), competition and Democracy, Journal of Law & Economics, 1, 105
- 2- Briassoulis, H. (2019), Governance as Multiplicity, Springer science, Business Media, LLC.
- 3- Chatwin, M. , Arku, G and cleave, E. (2019), Defining Subnational open government, Springer science, Business Media LLC.
- 4- Dhal, R. (1989), Democracy and its critics, New Heaven, Yale university Press.
- 5- Dhal, R. (2006), on Political Equality, New Heaven and London, Yale university press.
- 6- Druckman, J.N. and Lupia, A. (2016), Preference change in competitive political environments, Annual Review of political science, 19, 13.
- 7- Jacobson, G. (2019), How do different sources of policy analysis affect policy preferences, Springer science, Business Media LLC.
- 8- Niessen, C. (2019), when citizen deliberation enters real politics, Springer science, Business Media LLC.
- 9- OECD (2005), Modernizing Government: the way forward, Paris: OECD Publishing.
- 10- Shorp, T. (2005), Wars, Presidents and Punctuated equilibrium in U.S. defense spending, Springer science, Business Media LLC.
- 11- Skogstand, G. and Wilder M. (2019), Strangers at the gate: The role of multidimensional ideas, policy anomalies and institutional gatekeepers in biofuel policy developments in the U.S.A. and the E.U. , Springer science, Business media, LLC.
- 12- Strak, A. (2019), Policy learning and public policy, Springer science, Business media, LLC.